

مجلس نهم

نگرشی بر جایگاه وفای به عهد در اسلام

حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر مؤمنی*

درآمد

اعتماد آحاد جامعه به یکدیگر، بزرگ‌ترین سرمایه برای بقا و رشد یک ملت است و اعتمادسازی، جز با وفای به عهد و پیمان، تحقق نخواهد یافت. بنابراین، چنانچه افراد جامعه نسبت به تعهدات خویش عمل نمایند، این سرمایه بزرگ اجتماعی و نیز زمینه‌های رشد و شکوفایی از بین می‌رود. وفای به عهد، یکی از آشکارترین ارزش‌های اجتماعی است که مقبولیت عمومی دارد و حُسن وفای به عهد و قُبْح عهدشکنی، از امور فطری است که برای هر انسانی قابل فهم است و برای درک زیبایی وفای به عهد و زشتی عهدشکنی، به راهنمایی شرع و اقامهٔ برهان نیازی نیست. از این رو، در تمامی ادیان وحیانی و غیروحیانی، پایبندی به معاهدات، از اصول و ارزش‌های اخلاق اجتماعی به شمار رفته است. در این مقاله، ضمن تبیین دیدگاه اسلام درباره وفای به عهد، از مراتب عهد و پیمان نیز سخن خواهیم گفت.

* پژوهشگر پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی.

اهمیت وفای به عهد

واژگانی چون: «عهد»، «میثاق» و «وعده»، از نظر مفهوم به یکدیگر نزدیک‌اند و در موارد فراوانی به جای یکدیگر به کار رفته‌اند. برخی معتقدند این واژه‌ها در عین حالی که به یکدیگر شباهت دارند، معانی متفاوتی دارند؛ به طوری که «عهد»، به معنای نگهداری و مراعات پی‌درپی چیزی است و پیمان را از آن جهت عهد گویند که تعهدآور است و مراعات آن، لازم است: ^۱ «وَأَوْفُوا بِأَعْهَدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا؛^۲ به عهد [خود] وفا کنید که از عهد سؤال می‌شود.» اما میثاق، پیمان محکمی است که با سوگند و عهد تأکید شده باشد.^۳

امیر مؤمنان، علی علیه السلام می‌فرماید: «هیچ‌یک از فرایض الهی، همانند وفای به عهد، در میان مردم، با تمام اختلافاتی که دارند، مورد اتفاق نیست؛ حتی مشرکان نیز پیمان‌ها را در میان خود محترم می‌شمردند؛ زیرا عواقب پیمان‌شکنی را دریافته بودند.»^۴

در آموزه‌های اسلامی، وفای به عهد، جزئی از ایمان دانسته شده و یکی از راه‌های شناخت ایمان و صداقت اشخاص، سربلندی در آزمون وفای به عهد

۱. راغب اصفهانی، المفردات، ص ۵۹۱.

۲. اسراء، آیه ۳۴.

۳. راغب اصفهانی، المفردات، ص ۸۵۳. برخی معتقدند که عهد، به معنای پیمان‌بستن و تعهدکردن است؛ اما میثاق، تأکید همان عهد است و یک‌طرفه است؛ درحالی‌که عهد، دوطرفه و میان دو نفر [و بیشتر] است. (سید جعفر سجادی، فرهنگ معارف اسلامی، ج ۳، ص ۱۳۵۶) برخی از مفسران نیز حکم عمل به وفای به عهد را متفاوت از وفای به وعده دانسته‌اند و گفته‌اند: وفای به عهد، واجب است؛ ولی وفای به وعده، واجب نیست؛ بلکه بهتر است. (شیخ طبرسی،

مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۵۸۹)

۴. شریف رضی، نهج البلاغه، نامه ۵۳.

است؛ چنان‌که رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُفِ إِذَا وَعَدَ؛^۱ هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، هرگاه وعده می‌دهد، باید وفا کند.» به‌عکس، پیمان‌شکنی و وفانمودن به وعده، از ویژگی‌های منافق است؛ پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این باره می‌فرماید: «لِلْمُنَافِقِ ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ: إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا وَعَدَ خَلَفَ [أَخْلَفَ] وَإِذَا أُتْمِنَ خَانَ؛^۲ نشانه منافق، سه چیز است: هرگاه سخن گوید، دروغ گوید و هرگاه وعده دهد، وفا نکند و هرگاه به او اعتماد شود، خیانت کند.»

انسان می‌بایست نه تنها به عقد و عهدی که می‌بندد، وفادار باشد، بلکه حتی به قول و قرارهایی که به طور شفاهی می‌گوید و دیگران با اعتماد به او، کارهای خویش را بر اساس آن قول و قرار سامان می‌دهند، وفادار باشد و هرگز بدقولی نکند و پایبند قرار و مدارهایش باشد. بنابراین، لازم است انسان از توانایی خویش برای انجام وعده اطمینان داشته باشد؛ در غیر این صورت، نباید زیر بار آن برود؛ چنان‌که امام علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: «لَا تَعِدَنَّ عِدَّةً لَا تَتَّقِي مِنْ نَفْسِكَ بِإِنْجَازِهِ؛^۳ وعده‌ای نده که از وفای به آن اطمینان نداری.»

امروزه، جامعه ما بیش از هر زمان دیگری نیازمند توجه و عمل به این‌گونه روایات است؛ زیرا کم نیستند کسانی که با علم به ناتوانی خود در وفای به وعده، وعده‌های فراوان می‌دهند یا تعهدات غیرعملی را می‌پذیرند. روشن است که هر فردی باید تنها به مقدار توان و استطاعت خود تعهد بدهد و از قول‌هایی که بیرون از توانایی اوست، پرهیز نماید. متأسفانه، برخی کاندیداها در ایام انتخابات

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۶۴، ح ۲.

۲. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۴۳۸.

۳. عبدالواحد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم ودرر الکلم، ص ۲۵۳.

وعده‌هایی می‌دهند که استطاعت انجام آن را ندارد و نیز کم نیستند کسانی که وام‌هایی دریافت می‌نمایند که درآمد کافی برای بازپرداخت آن را ندارند. همچنین، افرادی که اموری را تعهد و ضمانت می‌نمایند که توان کافی برای انجام آن ندارند. چنانچه در تعاملات مالی و اقتصادی به روایت فوق جامه عمل پوشیم، بسیاری از افراد، بدهکار نخواهند شد و پرونده‌های مالی و قضایی گوناگون تشکیل نخواهد شد.

وعده‌دادن و پیمان‌بستن، نوعی پذیرش مسئولیت است و هنگامی که انسان بار این مسئولیت را به عهده گرفت، عمل به آن لازم است؛ امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرماید: «الْمَسْئُولُ حُرٌّ حَتَّى يَعِدَّ وَمُسْتَرْقٌ الْمَسْئُولُ حَتَّى يُنْجِزَ»^۱ انسان تا وعده نداده، آزاد است؛ اما وقتی وعده می‌دهد، زیر بار مسئولیت می‌رود و تا به وعده‌اش عمل نکند، رها نخواهد شد.»

مراتب عهد و پیمان

عهد و پیمان را می‌توان به انواع مختلفی تقسیم‌بندی نمود که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. عهد و پیمان با خدا

وفای به عهد، یک اصل عقلایی است و انسان‌ها به حکم عقل عملی، وفای به عهد و عقد را جزء بایدها و نیکی‌ها دانسته، بدان تشویق و ترغیب می‌کنند و شریعت اسلام نیز مطابق با عقل و فطرت، بر این احکام عقلانی مهر تأیید زده، آن را امضا کرده است.

مهم‌ترین و عالی‌ترین شکل تعهد، عهد و پیمانی است که میان خدا با انسان

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۱۳.

بسته شود. این نوع از عهد، در میان ادیان مختلف از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و منشأ پیدایش بسیاری از احکام، آداب و رسوم و فرهنگ‌هاست. در میان ادیان ابراهیمی، آیین یهود بیش از سایر ادیان، از آموزه عهد متأثر بوده و مفهوم عهد، آینه تمام‌نمای آیین یهود است. از این رو، شکل‌گیری بسیاری از آموزه‌ها و نیز افتخارات پیروان دین یهود، ارتباط تنگاتنگی با این آموزه دارد. همچنین، مسیحیت نیز با تأثیرپذیری از آیین یهود، برای آموزه عهد، نقش برجسته‌ای قائل شده و تورات را به عنوان جزئی از کتاب مقدس پذیرفته و آن را «عهد عتیق» و انجیل را «عهد جدید» نام نهاد.

در آیات متعددی از آیات قرآن کریم، از وفای به عهد سخن گفته شده است؛^۱ از جمله مراتب عهد و پیمان که در قرآن نیز به آن اشاره شده، پیمان بستن با خدا و وفای به آن است: «وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْفُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ»^۲ و هنگامی که با خدا عهد بستید، به عهد او وفا کنید و سوگندها را بعد از محکم‌ساختن نشکنید؛ درحالی که خدا را کفیل و ضامن بر [سوگند] خود قرار داده‌اید. به یقین، خداوند از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.»

«عهدالله»، هرگونه عهد الهی و بیعت در طریق ایمان و جهاد و غیر آن را شامل می‌شود و پیمان با پیامبر خدا نیز در حقیقت، پیمان با خداست. گفتنی است تکالیف تشریحی، که وسیله پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اعلام می‌شود همواره با یک نوع عهد الهی ضمنی همراه است، و تکالیف عقلی که به خاطر اعطای عقل و هوش و خرد و استعداد نیز با چنین معاهده ضمنی توأم می‌باشد، همه در این پیمان

۱. مؤمنون، آیه ۸؛ معارج، آیه ۳۲: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ.»

۲. نحل، آیه ۹۱.

وسیع و عهد الله داخل خواهند بود.^۱

۲. عهد و پیمان با دشمن

از نگاه قرآن، وفای به عهد، به طور مطلق واجب است؛ خواه عهد و پیمان‌های الهی باشد یا مردمی، در برابر دوست باشد یا دشمن. از آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» استفاده می‌شود که وفای به عهد، بدون هیچ قیدی، لازمه ایمان است و عهدشکن، از ایمان واقعی برخوردار نیست. قرآن کریم پیمان بستن با مشرکان و کافران به شرط رعایت حرمت و عزت اسلام و مسلمانان جایز دانسته است.^۲ بنابراین، هرگونه عهد و پیمانی که زمینه سلطه دشمنان را فراهم نماید، نامشروع است.^۳ پس از انعقاد پیمان نیز در صورت وفاداری دشمن به مفاد پیمان، پایبندی مسلمانان نیز واجب است؛^۴ اما در صورت ظهور نشانه‌های پیمان‌شکنی، خیانت و یا توهین به مقدسات مسلمانان، پیمان باید نقض شود.^۵

پس از آنکه امام حسن علیه السلام معاهده صلح را امضا کرد، برخی افراد نزد امام حسین علیه السلام آمدند و از حضرت خواستند با پشتیبانی آنان، به جنگ با معاویه مبادرت ورزد. حضرت به آنان فرمود: «إِنَّا قَدْ بَايَعْنَا وَعَاهَدْنَا وَلَا سَبِيلَ لِنَقْضِ بَيْعَتِنَا»^۶ همانا ما بیعت کردیم و عهد نمودیم و هیچ راهی برای شکستن پیمان ما وجود ندارد.»

۱. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۷۷.

۲. توبه، آیه ۴ و ۷؛ نساء، آیه ۹۰ - ۹۲.

۳. نساء، آیه ۱۴۱.

۴. توبه، آیه ۴.

۵. انفال، آیه ۵۸.

۶. دینوری، الأخبار الطوال، ص ۲۲۰.

نمونه عهد و پیمان با دشمن، در عصر حاضر، پیمانی است که به «برجام» شهرت دارد و روشن است تا زمانی که دشمن آن را نقض ننماید، جمهوری اسلامی به مفاد آن پایبند خواهد بود. رهبر معظم انقلاب با اشاره به اهمیت وفای به عهد در قرآن کریم، در این باره فرمودند: «جمهوری اسلامی، ابتدائاً برجام را نقض نخواهد کرد؛ زیرا وفای به عهد، دستور قرآنی است؛ اما اگر تهدید نامزدهای ریاست جمهوری آمریکا مبنی بر پاره کردن برجام عملی شود، جمهوری اسلامی برجام را آتش خواهد زد که این کار هم دستوری قرآنی در باره نقض عهد متقابل است.»^۱

۳. عهد و پیمان با مسلمانان

وفای به عهد، به عنوان سرمایه اجتماعی در یک جامعه اجتناب‌ناپذیر است. در جامعه اسلامی نیز مسلمانان باید به عهد و پیمان‌های خویش وفادار باشند؛ چنان‌که در احادیث اسلامی آمده است: «الْمُسْلِمُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ؛^۲ مسلمانان، به عهد خود پایبند هستند.» و یا فرموده‌اند: «الْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ؛^۳ مؤمنان، به عهد خود پایبند هستند.» عمل به عهد و پیمان و نیز و قول و قرار با برادران دینی، شرط ایمان است. ماجرای ذیل، نمونه و الگویی روشن از عمل به وفای عهد است.

حضرت آیت‌الله سید اسدالله مدنی، از بزرگان نجف و مورد اعتماد مراجع عظام بود. مدتی امام جمعه همدان و مورد توجه خاص و عام بود. سپس، به تبریز منتقل شد و در آنجا شربت شهادت نوشید و در زمره شهدای محراب نام خود را ثبت کرد.

۱. <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۳۳۳۵۲>

۲. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۴۰۴.

۳. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۸، ص ۵۲۷.

معظم له در آن منطقه، محبوبیت بسیاری داشت و موقعیتی خاص پیدا کرده بود. آوازه او به شهرهای اطراف هم رسیده بود و از خارج همدان زیاد خدمت ایشان می‌رسیدند و کسب فیض می‌کردند؛ چنان‌که یکی از تجار کرمانشاه و از علاقه‌مندان آقای مدنی به همدان می‌آید و از ایشان دعوت می‌کند که شب جمعه آینده، شام در خدمتتان باشیم که عده‌ای از طرفداران شما مشتاق زیارتتان هستند. قبول می‌کنند و در دفتر یادداشت خود ثبت می‌نمایند.

این پیشنهاد میهمانی، اوایل هفته و اواخر تابستان بوده است. ایشان گذرنامه خود را به اداره گذرنامه داده بودند تا آماده شود و به نجف برگردند. اواسط هفته، گذرنامه آماده را می‌آورند و ایشان هم بدون توجه به دعوت کرمانشاه، اثاث را جمع می‌کند و به عراق می‌رود. به نجف که وارد می‌شود، مؤمنان و بزرگان اهل علم به دیدن ایشان می‌آیند. اواخر شب دفترش را باز می‌کند تا چیزی یادداشت نماید که دعوت شب جمعه به کرمانشاه را می‌بیند. به شدت ناراحت می‌شود و برمی‌خیزد و سراسیمه به بیت مرحوم آیت‌الله حکیم می‌رود. در می‌زند و خادم بیرون می‌آید. می‌فرماید: «من باید آقا را ملاقات کنم.» خادم می‌گوید: «آقا در حال استراحت‌اند.» می‌فرماید: «او را بیدار کنید که من کار واجب دارم.»

ناچار آقا را از خواب بیدار می‌کنند. آقا ایشان را می‌پذیرد. وارد می‌شود، دست او را می‌بوسد، از مزاحمت [پیش آمده] عذرخواهی می‌کند و می‌گوید: «چاره‌ای نداشتم. من امروز از ایران آمدم و پس‌فردا به مجلس مهمی در کرمانشاه دعوت دارم که اگر نباشم، به موقعیت من و در نتیجه روحانیت لطمه می‌خورد و ثمره تمام تبلیغات من در آن نواحی، از بین می‌رود. خروج از کشور برای من قانوناً به این زودی امکان ندارد. تقاضای من این است که دستور

فرمایید، سریع ترتیب برگشتن مرا به ایران بدهند.» ایشان با هماهنگی آقای حکیم صبح روز بعد، از عراق به ایران وارد می‌شود و به کرمانشاه می‌رود. از آن طرف، در همدان و کرمانشاه منتشر می‌شود که آقای مدنی به عراق رفته‌اند. خبر به گوش آن حاجی می‌رسد و ناراحت می‌شود؛ ولی می‌گوید بیش از صد نفر از رجال محترم منطقه را دعوت کرده‌ام و پس گرفتن دعوت، صحیح نیست. آقایان تشریف می‌آورند؛ آقای مدنی نباشد، چه مانعی دارد؟ جلسه تشکیل می‌شود و همه میهمان‌ها تشریف می‌آورند و همه اعتراض داشتند که آقای مدنی اگر می‌خواست برود، چرا قول داد؟ این آقا چقدر زحمت کشیده و همه آنها را ایشان نادیده گرفته و رفته؛ عجیب است! دیگر انسان چگونه از دیگران انتظار داشته باشد؟ همه نشسته بودند و علیه آقای مدنی صحبت می‌کردند که آیت‌الله مدنی از در وارد می‌شوند. همه صلوات می‌فرستند و ابراز احساسات می‌کنند.

ایشان پس از صرف چای، به منبر تشریف می‌برند و درباره وفای به عهد و عمل به وعده از نظر اسلام سخن می‌گویند. بعد، داستان مسافرت به عراق را برای آقایان شرح می‌دهند و می‌گویند: «اگر قدرت حضرت آیت‌الله حکیم نبود، من هرگز نمی‌توانستم به قول خود عمل کنم؛ لذا مزاحم شدم و به برکت ایشان به زیارت برادران و دوستان محترم نایل آمدم.»

به قدری این عمل آقای مدنی در آن ناحیه اثر مثبت گذاشت که شاید از ده سال تبلیغ ایشان در آنجا مؤثرتر بود! همه از دل و جان آفرین گفتند و چهره روحانیت، نورانی‌تر شد و علاقه توده مردم به آنها قوت گرفت.^۱

وفای به عهد و عمل به وعده‌هایی که افراد به اعضای خانواده خود می‌دهند

۱. شیخ عباس محقق کاشانی، بر منبر خاطره، ص ۲۱۶-۲۱۸.

نیز یکی دیگر از مواردی است که عمل به آن در اسلام بسیار سفارش شده است؛ رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: «أَجِبُوا الصَّبِيَانَ وَارْحَمُوهُمْ، وَإِذَا وَعَدْتُمُوهُمْ شَيْئًا، فَفُوا لَهُمْ؛ فَإِنَّهُمْ لَا يَرُونَ إِلَّا أَنْكُمْ تَرَزُقُونَهُمْ؛^۱ کودکان را دوست بدارید و با آنان مهربان باشید و هرگاه به آنان وعده دادید، به آن وفا کنید؛ زیرا آنان، روزی دهنده خود را کسی غیر از شما نمی دانند.»

عهد یاران امام عَلَيْهِ السَّلَام در شب عاشورا

از مهم ترین مصداق وفای به عهد، وفاداری به عهد و پیمان با ولایت و امامت است که نمونه بارز آن، در نهضت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام تجلی یافت. امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام نزدیک غروب تاسوعا، یاران خود را فراخواند و پس از حمد و سپاس خداوند، فرمود: «أَمَا بَعْدُ فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَابًا أَوْفَى وَلَا خَيْرًا مِنْ أَصْحَابِي وَلَا أَهْلَ بَيْتِ أَبِي وَأَوْصَلَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَجَزَاكُمُ اللَّهُ عَنِّي خَيْرًا...^۲؛ اما بعد، همانا من یارانی باوفاتر [به عهد خود] از یاران خویش سراغ ندارم و بهتر از ایشان نمی شناسم و خاندانی نیکوکارتر و مهربان تر از خاندان خود ندیده ام. خدایتان از جانب من پاداش نیکو دهد.

فردا کار ما با این مردم به جنگ خواهد انجامید. اینها تنها با من کار دارند. اگر به من دست یابند، کاری به شما ندارند. من بیعت خود را از شما برداشتم. از سیاهی شب استفاده کنید و هریک از شما دست یک نفر از اهل بیت مرا بگیرد و از اینجا برود تا خداوند فرجی برساند. سخنان امام که تمام شد، ابتدا حضرت ابوالفضل عَلَيْهِ السَّلَام، سپس سایر برادران و برادرزادگان و اقوام برخاستند و وفاداری خود

۱. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۹.

۲. ابی مخنف کوفی، وقعة الطف، ص ۱۹۷؛ شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۹۱.

را اعلام کردند و گفتند: خدا نیاورد لحظه‌ای را که ما بعد از شما زنده باشیم. پس از خاندان اهل بیت، اصحاب حضرت وفاداری خود را اعلام نمودند. مسلم بن عوسجه گفت: «به خدا سوگند! من در هر شرایطی به عهد خود وفادارم و از تو جدا نمی‌گردم تا با نیزه خویش، سینه دشمنان تو را بشکافم و تا شمشیر در دست من است، با آنان می‌جنگم و اگر هیچ سلاحی نداشتیم، با سنگ و کلوخ بجنگشان می‌روم تا جان تا جان به جان آفرین تسلیم کنم.»

بی‌شک، باوفاترین یار امام حسین علیه السلام، حضرت ابوالفضل علیه السلام است که نام پرآوازه او در خصوص وفای به عهد، برای همیشه در تاریخ ماندگار شده است؛ او که تا لحظه شهادت بر سر عهد و پیمانی که با امام خود بسته بود، وفادار ماند و جاودانه شد.

عالم همه مات از وفایت عباس مروه متحیر از صفایت عباس
با آنکه به حق جان جهان است حسین فرمود که جان من فدایت عباس